

نقد کتاب آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی

ناصر نیکوبخت*

چکیده

گرایش به مقاله‌نویسی در مجامع علمی کشور، به‌ویژه در بین استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها، ضرورت آشنایی با شیوه‌های نگارش با معیارهای علمی را امری اجتناب‌ناپذیر کرده است. آثاری همچون آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی اثر محمود فتوحی اقدامی بایسته برای پاسخ‌گویی به این ضرورت است. تدوین و تنظیم آثاری از این نوع نیازمند دقت نظر و وسواس علمی مطلوب، آشنایی با انواع روش‌های معیار و روزآمد، مطالعه آثار متقدم در همین موضوع، و بایسته‌های دیگری است که خوشبختانه غالب این ویژگی‌ها در تألیف این اثر مشهود است.

این مقاله حاصل بررسی اجمالی اثر و یادآوری پاره‌ای سهوهای نگارشی و ویرایشی راه‌یافته در متن است که در صورت پذیرش مؤلف، امید است با رفع آن‌ها در چاپ‌های آتی، اثری پیراسته‌تر به مخاطب عرضه شود.

کلیدواژه‌ها: آیین نگارش، مقاله‌نویسی، ساختار مقاله، مرجع‌شناسی.

۱. مقدمه

کتاب آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی اثر محمود فتوحی از انتشارات سخن، یکی از آثار ارزشمند در حوزه مطالعات روش پژوهش و نگارش مقالات علمی - پژوهشی است که پس از انتشار (۱۳۸۵ش) مورد استقبال خوبی از طرف دانشجویان و دیگر پژوهش‌گران قرار گرفت و تا سال ۱۳۸۹ به چاپ ششم رسید. در این کتاب موضوعات متعدد و متنوعی

* استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس n-nikoubakht@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۲۹

بررسی شده‌اند که به اختصار عبارت‌اند از: مبانی پژوهش، روش‌شناسی تحقیق، اصطلاحات پژوهش، اخلاق پژوهش، زبان و لحن پژوهش، پاراگراف‌نویسی، مقاله و گونه‌های آن، بنیادهای نگارش مقاله، ساختمان مقاله پژوهشی، مرجع‌شناسی و مستندسازی، الگوهای مستندسازی، معرفی انواع مجله‌های پژوهشی، نمایه‌سازی نشریه‌های علمی، کتاب‌شناسی منابع، و درنهایت فهرست جدول‌ها و الگوها.

کتاب دربردارنده پیش‌گفتاری درباره ویراست دوم و مقدمه‌ای با عنوان «مقاله و دانشگاه» است و سپس، به اهم مطالب کتاب با نظمی منطقی و انسجامی مطلوب پرداخته شده است.

چاپ‌های اول تا سوم کتاب بدون هر گونه تجدید نظر چاپ و منتشر شده، ولی چاپ چهارم کتاب با تجدید نظر و حذف و افزوده‌هایی چند، تا حدی شکل مطلوب‌تری به خود گرفته است.

۲. اهداف مقاله

شورای بررسی متون درسی دانشگاهی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از بدو تأسیس تاکنون، در اجرای یکی از رسالت‌های خود، بررسی و نقد آثار علمی و دانشگاهی را در حوزه علوم انسانی پی گرفته است و در این میان، بررسی آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی به نگارنده محول شد. از آن‌جا که کتاب مذکور به دلیل خلأ اثر نسبتاً جامعی در این زمینه و به علاوه به سبب ویژگی‌های مطلوب علمی و به‌روزر بودن مباحث و دقت علمی نویسنده، مورد استقبال شایان پژوهش‌گران قرار گرفته است، بازنگری و رفع نواقص احتمالی و سهوهای اجتناب‌ناپذیر نگارشی و حروف‌چینی در جهت عرضه اثری با حداقل کاستی‌ها، امری ضروری است که این مقاله کوشیده است در حد اختصار و اقتضای مواردی را متذکر شود.

۳. ضرورت تألیف

با توسعه روند مقاله‌نویسی در ایران، به‌ویژه الزام استادان و دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی رشته‌های گوناگون دانشگاهی در خصوص چاپ و نشر مقالات علمی و پژوهشی (اعم از داخلی و خارجی)، آشنایی با شیوه‌های علمی مقاله‌نویسی امری ضروری است و

چاپ آثاری در این زمینه می‌تواند تا حدی راهنمای مؤلفان و حتی مترجمان مقالات علمی - پژوهشی باشد.

این کتاب حاوی مطالب مفید و متنوعی است، ولی برای رعایت اختصار در پاره‌ای موضوعات، به نظر می‌رسد حق مطلب به نحو شایسته برآورده نشده است و به‌رغم خلاقیت‌ها و نوآوری‌های فراوان - در مقایسه با آثار مشابه - کاستی‌ها و اشکالاتی نیز دارد که امید است در چاپ‌های بعدی مرتفع شوند. از طرف دیگر، این کتاب یک مرجع عمومی برای مقاله‌نویسی است و صرفاً در مقام یک کتاب درسی طراحی و تدوین نشده است، زیرا با سرفصل هیچ‌یک از مواد درسی دانشگاهی مطابقت ندارد و می‌تواند به‌منزله کتابی کمک‌درسی و یا منبع فرعی پاره‌ای از متون درسی از جمله روش تحقیق و مرجع‌شناسی قرار گیرد.

۴. کاستی‌ها و ایرادات کتاب

۱.۴ ابهام در تعریف

در بخش معانی پژوهش، مؤلف تحقیق را به دو دسته عمومی و تخصصی تقسیم‌بندی کرده است و در تعریف پژوهش عمومی می‌گوید: «نتایج تحقیق عبارت از شکل دادن، عمومی کردن، و به‌کار بستن اموری است که معمولاً برای همگان آشنا و مأنوس است» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۱۹)؛ و در ادامه می‌گوید: «تحقیقات عمومی برخلاف تحقیقات دانشگاهی، چندان تابع اصالت منابع و مأخذ نیستند» (همان: ۲۲). به‌علاوه درباره مفهوم تحقیق تخصصی می‌گوید: «دانشی است که برای نخستین بار طرح می‌شود و هیچ‌کس درباره آن چیزی نمی‌داند. این نوع تحقیق در نهادهای علمی دانشگاهی صورت می‌گیرد و ...» (همان: ۱۹).

بر این تعریف چند ایراد وارد است: اولاً، اگر به‌درستی نتایج پژوهش تخصصی (دانشگاهی) شامل مباحثی باشد که هیچ‌کس درباره آن چیزی نمی‌داند، بنابراین تقسیم‌بندی پژوهش تخصصی به بنیادی، کاربردی، و توسعه‌ای و ترویجی (همان: ۲۲-۲۴) بی‌معنا خواهد شد، زیرا برای مثال پژوهش‌های توسعه‌ای و کاربردی «بسط و گسترش یا آموزش یا تفهیم و ساده‌سازی اندیشه، نظریه و یک روش جدید است که از طریق پژوهش بنیادی به دست آمده است» (همان: ۲۴)؛ یعنی پژوهش در امری که اینک نتایج آن در دسترس

همگان است و نتایج آن از قبل مشخص شده است و با تعریف «هیچ کس درباره آن چیزی نمی‌داند» در تباین است.

ثانیاً، در تقسیم‌بندی پژوهش‌های علمی، تحقیقات پلیسی ذیل تحقیقات عمومی برشمرده شده است، در حالی که در تبیین تحقیقات پلیسی آمده است «اعتبار و درستی یافته‌های این نوع تحقیق به وسیله قانون، قلمرو، و اختیارات قانونی پلیس، حفظ حقوق بی‌گناه، مجرم، و قربانی مشخص می‌شود» (همان: ۲۰). از آن‌جا که بر اساس اظهار مؤلف، باید منابع و مستندات این نوع پژوهش بسیار دقیق، علمی، مستند، و خدشه‌ناپذیر باشد، با تعریف منابع تحقیقات عمومی که «چندان تابع اصالت منابع و مآخذ نیستند» (همان: ۲۲) در تباین است.

دانشنامه‌های بریتانیکا و امریکانا عمومی محسوب شده‌اند و دانشنامه ایرانیکا تخصصی (همان: ۱۲۳). مشخص نشده که چه تفاوتی بین این سه دایرةالمعارف از نظر موضوعی وجود دارد که دو تای اولی عمومی و ایرانیکا تخصصی تلقی شده است؟

در ذیل ویژگی‌های مقاله‌های دانشنامه‌ای در شماره ۶ آمده است: دانشنامه یک مرجع عمومی است؛ بنابراین، مقاله‌های آن در عین جامعیت منابع و اعتبار باید به بیانی ساده و دور از پیچیدگی‌های تخصصی نوشته شوند تا برای غیر متخصصان نیز کاربردی باشند (همان: ۱۲۵). آیا این تعریف برای دانشنامه‌های عمومی است یا تخصصی؟ یعنی، مقالات دانشنامه‌های تخصصی نیز لزوماً باید برای غیر متخصصان کاربردی باشند.

۲.۴ سهوهای نگارشی

با توجه به اهمیت و اهداف کتاب و قرارگرفتن آن به منزله منبع و مرجع کمک درسی دانشگاهی، دقت در درست‌نویسی و نشانه‌گذاری آن از بایسته‌های این اثر آموزشی است. به‌رغم تلاش مؤلف در رعایت نثر سخته و علمی، زبان رسا و گویا، کاربرد معادل‌های فارسی برای پاره‌ای اصطلاحات بیگانه، عاری‌بودن از حشو و زوائد و ...، با این حال، در مواردی پاره‌ای ایرادات در متن راه یافته است که به‌اختصار به تعدادی اشاره می‌شود.

۱.۲.۴ اغلاط مصطلح

- کاربرد صفت با «ی» صفت‌ساز، مانند قدیمی:

یافتن اسناد قدیمی (همان: ۲۱)، نشانه‌های قدیمی (همان: ۶۱). متذکر می‌شود که قدیم و جدید هر دو صفت‌اند، همان‌طور که نمی‌توان گفت «اسناد جدیدی»، «نشانه‌های

جدیدی»، کاربرد قدیم نیز با «ی» صفت‌ساز در نزد بسیاری ادبا محل اشکال است. کاربرد واژه «کهن» به جای «قدیمی» در ترکیب‌های مذکور نویسنده را از کاربرد محل تردید درستی یا نادرستی صفت «قدیمی» مصون می‌دارد (← نجفی، ۱۳۷۱: ذیل «قدیمی»).

– کاربرد واژه «وضعیت»: «وضعیت» مصدر جعلی از «وضع» + «یت» است که معنی «وضع‌بودن» و «وضع‌شدن» می‌دهد؛ در این صورت جمله فاقد معنی است. اصولاً نمی‌توان از «وضع» مصدر جعلی ساخت و «وضعیت» از غلط‌های مصطلح برساخته فارسی‌زبانان است که در خط فارسی راه یافته است، هر چند عده‌ای کاربرد آن را در زبان فارسی پذیرفته‌اند (← فرهنگ فارسی معین، ۱۳۶۴: ذیل «وضع»).

– به‌کاربردن واژه «شانس» در معنی احتمال و امکان (نجفی، ۱۳۷۱: ذیل «شانس»):

«شانس ثبت در فهرستگان این مؤسسه را پیدا می‌کنند» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۷۹).

– به‌کاربردن قید مرکب «به‌زحمت» در معنی «به‌ندرت»:

«نویسندگان مقاله‌های هنر و علوم انسانی، به‌زحمت به مجله‌های پژوهشی ارجاع می‌دهند» (همان: ۲۸۶).

– کاربرد دو حرف ربط در جمله‌های مرکب:

«اطلاعات و داده‌ها ... با آن‌که گاهی مفید است، اما غالباً نمی‌تواند معیار ... ارزیابی باشد» (همان).

– مطابقت موصوف و صفت به تبع زبان عربی:

یکی از مصادیق غلط‌نویسی در زبان فارسی، تبعیت از صرف و نحو عربی به‌ویژه در تطبیق موصوف و صفت از نظر جنس است. نظر به این‌که در زبان فارسی اسم، جنس ندارد؛ ضرورتی برای این تطبیق وجود ندارد. در این اثر گاه مواردی از این نوع دیده می‌شود: مؤسسه مربوطه (همان: ۲۶۷)؛ مقالات منتشره (همان: ۲۷۱)؛ مقاله‌های منتشره (همان: ۲۷۶).

– جداکردن «ب» صفت‌ساز از اسم:

مانند «به‌سزا» (همان: ۲۱). در حالی که، باید متصل نوشته شود.

– به‌کاربردن «اعراب» به جای حرکت:

«در داخل عبارات عربی، باید اعراب آن‌ها رعایت شود» (همان: ۷۱)؛ در حالی که، «اعراب» نشانه آخر کلمه است. احتمالاً، مقصود نویسنده حرکت‌گذاری (شکل‌گذاری) کلمات عربی است.

- به کاربردن «اند» بعد از کلمات مختوم به صامت:

مانند، متفاوت اند (همان: ۷۷) و سهیم اند (همان: ۸۳). اصولاً پسوند واره‌های فعلی «یم، ید، ند» به اسامی و افعال مختوم به صامت، بدون افزودن الف، خوانده و نوشته می‌شوند و در تلفظ، صدای حرکت بدون همزه به گوش می‌رسد. البته، در این کتاب در پاره‌ای موارد، الف حذف شده است؛ مانند:

«بندنوشت‌ها از لحاظ اندازه متفاوت‌اند، برخی کوتاه و برخی بلندند» (همان: ۷۷).
چه تفاوتی بین متفاوت و بلند در افزودن «اند» وجود دارد؟!

۲.۲.۴ کاربرد کلیشه‌های زبانی

مثلاً «بالا بردن» در معنی «افزایش دادن»:

«میانگین آگاهی اجتماعی را بالا می‌برد» (همان: ۸۲).

«اگر نویسنده در نشریه‌ای که ضریب تأثیر بالایی دارد ...» (همان: ۲۷۲) در معنی «زیادی».

۳.۲.۴ گرته‌برداری

مثلاً، به کاربردن «شرایط» در غیر معنی وضعی خود و گاه کاربرد زائد آن:

«درباره شرایط و مسائل گذشته» (همان: ۲۷). شرایط در این جمله زائد است و می‌توان آن را حذف کرد.

«این شرایط با وضعیت اقتصادی خانواده من بسیار همخوانی دارد» (همان: ۹۷).

در این جمله «شرایط» در معنی «تسهیلات یا اوضاع و احوال» به کار رفته است که جانشین مناسبی نیست و نوعی گرته‌برداری معنوی از کلمه است.

۴.۲.۴ عامیانه‌نویسی

مانند، حوصله به خرج دادن:

«برای جست‌وجو دقت و حوصله کافی به خرج دهید» (همان: ۱۳۶).

۳.۴ غفلت از معادل‌گذاری پاره‌ای اصطلاحات فنی

در این کتاب غالباً برای اصطلاحات فنی، معادل لاتین آن‌ها ذکر شده است و از امتیازات بسیار خوب این اثر محسوب می‌شود؛ با این حال، در مواردی این امر فراموش شده است؛ از جمله، معادل لاتین روش‌های تطبیقی، توصیفی، آماری و ... نیامده است (همان: ۲۹).

۴.۴ در مبحث ارجاع‌نویسی و کتابنامه

مؤلف آورده است:

منابعی که در متن استفاده شده، باید به طور کامل در بخش منابع مقاله بیاید. مؤلف باید اطمینان حاصل کند که تمام منابع را هم در متن و هم در کتابنامه آورده و مختصات آن‌ها دقیقاً یک‌سان باشد. هرگونه تغییر و تفاوت و ناهمخوانی میان مشخصات منابع درون متن با کتابنامه، از اعتبار و اصالت کار مؤلف می‌کاهد (همان: ۱۷۵).

در این کتاب پاره‌ای ارجاعات درون‌متنی، به‌ویژه شواهد و امثله که با ارجاعات درون‌متنی معرفی شده‌اند، در کتابنامه نیامده‌اند که به دلیل کثرت آن‌ها فقط به چند نمونه بسنده می‌شود:

ارجاع درون‌متنی (علی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۲) (همان: ۴۴)، ارجاع درون‌متنی (تانن، ۲۰۰۵: ۸۵) (همان)، و ...

– ذکر شماره جلد و صفحه در ارجاع به کتاب‌های لغت و دایرةالمعارف:

در جدول کتاب‌های مرجع (همان: ۲۱۷)، ذیل شماره ۲، لغت‌نامه‌های مشهور آمده است: پانوش: علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه (دانشگاه تهران، مؤسسه دهخدا، ۱۳۶۵) ذیل اسطرلاب، ج ۱، ص ۲۰۰.

در حالی که، در ارجاع به دایرةالمعارف‌ها و کتاب‌های لغت، ذکر شماره جلد و صفحه – اعم از پانوش و کتابنامه – معمول و مرسوم نیست، و در این جا نیز فقط آوردن «ذیل اسطرلاب» کفایت می‌کند.

– ارجاع به غیر نام اشهر مؤلف:

در شماره ۴۳ شعر از مجله، در قسمت مآخذ آمده است (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۲۵): یوشیج، نیما (۱۳۱۸)؛ در حالی که، نیمایوشیج نام و نام‌خانوادگی نیست، بلکه نام مستعار است و تفکیک‌ناپذیر؛ بنابراین باید به صورت نیمایوشیج (۱۳۱۸) بیاید.

– در کتابنامه ذیل ارجاع به فرهنگ قاطع آمده است: تبریزی، محمد حسین بن خلف (همان: ۲۹۱). در حالی که، نام شهرهای منسوب به نویسندگان و شاعران نمی‌تواند نام اشهر تلقی شود؛ چنان‌که نمی‌گویند: شیرازی، سعدی، یا شیرازی، حافظ، و ... باید به صورت «ابن خلف تبریزی، محمدحسین» ذکر می‌شد.

– در بخش کتابشناسی منابع (همان: ۲۹۳)، ذیل نجفی – ابوالحسن، غلط نویسیم، ضمن

این که نام دوم کتاب (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی) نیامده، در انتها توضیحی درباره کتاب ذکر شده است که معمولاً در مأخذنویسی مصطلح نیست و مؤلف نیز برای دیگر کتاب‌ها چنین توضیحاتی نیاورده است.

- در مبحث مرجع‌شناسی و مستندسازی در ذیل شماره ۴۳ در خصوص شعر از مجله، مرغ آمین به شماره ۱۰ مجله موسیقی (دی ۱۳۱۸) ارجاع داده شده است (همان: ۲۲۵)؛ در حالی که، بر اساس کلیات دیوان نیمایوشیج - که غالب شعرهای آن مورخ است - مرغ آمین در زمستان ۱۳۳۰ سروده شده است، چگونه می‌تواند در ۱۳۱۸ معرفی یا منتشر شده باشد (← نیمایوشیج، ۱۳۷۳: ۴۹۷). به نظر می‌رسد مرغ آمین با مرغ غم (آبان ۱۳۱۷) یا مرغ مجسمه (دی ۱۳۱۸) اشتباه شده باشد.

۵.۴ سهوهای نگارشی از نوع بی‌دقتی یا خطای حروف چینی

- هم‌قلم‌نبودن کلمات:

مثلاً، معادل لاتین comma با بقیه قلم‌ها یک‌سان نیست (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۳ در جدول ۱).

- معادل‌گذاری سال شمسی با میلادی:

مثلاً، آمده است ۱۳۵۸ ش / ۱۹۸۹ م (همان: ۵۳)؛ که باید ۱۹۷۹ میلادی باشد.

- به جای (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ب: ۶۵) باید ۱۳۷۸ بیاید (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۰۳ سطر ۱۳).

- در معرفی دایرةالمعارف فارسی آمده است: زیر نظر غلامحسین مصاحب ۳ جلد

(همان: ۷۴)؛ در حالی که، فقط جلدهای ۱ و ۲ زیر نظر مصاحب بوده و جلد سوم زیر نظر رضا اقصی است.

- عدد اصلی و اعشاری جابه‌جا شده است (همان: ۷۹):

لبه سمت راست کاغذ ۵/۲ و سمت چپ ۵/۱، که باید ۲/۵ و ۱/۵ سانتی‌متر باشد.

- واژه دایرةالمعارف به دو شیوه املائی دایره و دایره آمده است (همان: ۱۲۳).

- آمده است: «در دانشنامه بریتانیکا درباره سنایی (ف ۵۲۵ ق) شاعر ایرانی قرن پنجم

توضیحی ... آمده است» (همان: ۱۲۳)، که با توجه به وفات شاعر در ۵۲۵، باید گفت: شاعر ایرانی قرن ششم، نه پنجم.

- در قسمت سوم بنیادهای نگارش آمده است (همان: ۱۳۱) بررسی پیشینه پژوهش

(شناسایی و جست‌وجوی منابع)، که بهتر است عبارت داخل پرانتز به صورت (شناسایی و نقد منابع) باشد.

- در شماره ۵۹ مشاهده تفاهم‌نامه. در معادل‌گذاری ۲۳ اسفند ۱۳۵۴ نیز سهوی رخ داده است در این کتاب معادل ۱۷ مارس ۱۹۷۶ آمده است؛ در حالی که، باید ۱۳ مارس ذکر می‌شد.

- در بسیاری موارد، تاریخ‌های ذکر شده مشخص نیست که قمری یا شمسی است، مثلاً در جدول شماره ۶۴ نامه/ حکم/ فرمان آمده است: قنسولگری ایران، (۱۳۲۴) و در شماره ۶۵ نیز تکرار شده است (همان: ۲۳۲)، که بایسته است حرف ق به دنبال آن نوشته شود.
- در بعضی جدول‌ها، سال میلادی و شمسی بدون علامت اختصاری م و ش آمده است (همان: ۲۴۰، ۲۴۱).

- در پانویشت چکیده آمده است (همان: ۲۶۸): تاریخ دریافت: ۸۱/۱۶/۱۱ که ۸۱/۶/۱۱ صحیح است.

۵. اشکالات بخش نشانه‌گذاری

فارغ از ضرورت وجود مبحث نشانه‌گذاری در چنین اثری، بخش نسبتاً مفصلی از کتاب به موضوع نشانه‌گذاری تخصیص یافته است (همان: ۴۲-۶۸) و غالب نشانه‌های اصلی و کاربردهای آن تعریف و تبیین شده است. مبحث نشانه‌گذاری در این کتاب به اختصار آمده است و شامل اصلی‌ترین نشانه‌ها و اصلی‌ترین کاربردهای نشانه‌هاست و به کاربردهای فرعی و نشانه‌های فرعی چندان اهمیتی داده نشده است؛ با این حال، توصیه‌های مؤلف محترم در این مبحث، که گاه تا حدی ذوقی و بر خلاف اتفاق نظر عمومی ویراستاران است، چه بسا در خود متن کتاب رعایت نشده است و موارد خلافی دیده می‌شود.
به طور کلی، یکی از پراشکال‌ترین بخش کتاب مربوط به نشانه‌گذاری است که به اختصار به اندکی اشاره خواهد شد.

- (قبل از ورود به مبحث نشانه‌گذاری) در مقابل روش‌شناسی (= متدولوژی) در دو هلال نشانه مساوی آورده شده است (همان: ۲۴)، در حالی که، یکی از کاربردهای دو هلال نشانه «هم معنی با» است و افزودن نشانه «=» زائد است.

- در ذیل نقطه، پس از ذکر موارد کاربرد نقطه، در پایان هر مورد، نشانه دو نقطه آمده است (همان: ۴۴). شایسته است پس از هر مورد «؟» بیاید نه دو نقطه.

مثلاً، در مورد سوم آمده است: در نقل قول‌های مستقیم، نقطه پایان جمله پس از گیومه می‌آید: در حالی که، دو نقطه بعد از جمله خبری مفهومی ندارد.

البته این توصیه مؤلف نیز محل تأمل است، زیرا نقطه پایان جمله باید قبل از گیومه بیاید نه بعد از آن؛ چون جمله قبل از گیومه پایان می‌یابد.

به نشانه‌گذاری شاهد مثال ذیل دقت شود:

«در بحبوحه جنگ دوم جهانی، قوای شوروی و انگلیس، شهر انزلی را چند بار بمباران کردند». (علی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۲).

در شاهد مثال هم بعد از گیومه نقطه آمده است و هم بعد از دو هلال ارجاع داخل متنی. در شاهد مثال چهارم نیز، خلاف آنچه متذکر شده، نقطه هم بعد از گیومه و هم بعد از دو هلال آمده است.

- در ذیل کاربرد ویرگول، در مورد دوم آمده است (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۴):

«در جمله مرکب برای جداکردن جمله پایه از پیرو».

در پایان موارد اول و دوم کاربرد ویرگول، بر خلاف شیوه غالب کتاب، به جای دو نقطه، نقطه آمده است.

همچنین، باید می‌گفت: برای جداکردن جمله پیرو از پایه ویرگول می‌آید. معمولاً برای جداکردن جمله پایه از پیرو، به جای ویرگول، نقطه ویرگول می‌آید، زیرا جمله پایه، جمله کامل غیر مستقل است که به واسطه حروف ربطی از استقلال افتاده است.

- در ذیل کاربرد ویرگول آمده است (همان: ۴۵):

«دو طرف بدل و عطف بیان»

مؤلف عطف بیان و بدل را یکی فرض کرده و فقط یک شاهد آورده است که برای بدل صدق می‌کند نه عطف بیان؛ در حالی که، دو طرف بدل ویرگول می‌آید، اما دو طرف عطف بیان ویرگول نمی‌آید. در عطف بیان، فقط قبل از عطف بیان ویرگول می‌آید و بعد از آن لزومی ندارد؛ مثال برای عطف بیان:

ما، دانشجویان رشته ادبیات به اردو رفتیم.

عطف بیان

سعدی، شاعر قرن هفتم، در شیراز می‌زیست.

بدل

- کاربرد تک هلال یا پراکنش پس از کدگذاری‌ها یا به قول مؤلف «رج‌بندی عددی» که معمولاً در هیچ کتابی معمول و مرسوم نیست. البته مؤلف در مبحث نشانه‌گذاری از کاربرد

تک هلال سخنی به میان نیاورده است و به کاربرد آن اشاره‌ای نکرده است. خود نویسنده در صفحه ۱۵۰ در مبحث رج‌بندی خلاف آنچه گفته عمل کرده است و، به جای تک هلال، از نقطه استفاده کرده است؛ به عبارت دیگر، آنچه ذیل رج‌بندی آمده نقض چیزی است که توصیه شده است؛ با این حال، پس از رج‌بندی عددی، هیچ علامتی نمی‌آید و فقط یک فاصله گذاشته می‌شود و آوردن نقطه نیز خلاف معمول است. یا در صفحه ۸۴ در جدول «بندنوشت، جمله‌های فرعی» نیز تفاوتی بین اعداد شمارشی و حروف ابجدی قائل نشده و پس از هر دو تک هلال آمده است.

- کاربرد «خط تیره» معادل خط فاصله نوعی حشو قبیح است (همان: ۵۰)، زیرا خود تیره (Tiret در زبان فرانسه) به معنی خط فاصله است و «خط تیره» از نوع «سنگ حجرالاسود» تلقی می‌شود؛ کاربرد خط تیره اشکالی دیگر نیز دارد و آن این‌که، همیشه این خط تیره نیست و ممکن است به رنگ‌های دیگر نوشته شود. در کتاب راهنمای آماده‌سازی کتاب از واژه مطلق «خط» و در مواردی، «نیم‌خط» و «نشانه پیوند» استفاده شده است (ادیب سلطانی، ۱۳۶۵: ۱۰۳).

- به‌کاربردن «صص» نیز تا حدی غیر معمول و غیر ضروری است و فقط یک «ص» کفایت می‌کند.

مثلاً «ص ۷۵-۷۷» به معنی صفحه ۷۵ تا ۷۷ است و گذاشتن «صص» مفهومی ندارد، البته مؤلف گاه سهواً از توصیه خود تخطی کرده و شیوه صحیح را در بعضی شواهد به کار گرفته است؛ مثلاً در صفحه ۲۰۰ در نحوه تنظیم منابع آورده:

۱. کالینز، لوراس. (۱۹۸۲). «مقاله‌ای درباره‌ی طلا». تایمز ویک. ۵ ژانویه، ۱۹۸۲، ص

۱۹-۲۰.

البته ذکر دو بار سال نشر در این شاهد مثال نیز محل اشکال است.

- نویسنده محترم در کل اثر در ترتیب عددهای دوگانه، معمولاً عدد کوچک را به تبع زبان‌های لاتین در سمت چپ و عدد بزرگ را در سمت راست آورده است، مثلاً «صص ۷۵-۷۶»؛ ادبیات ایران در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۲ (فتوحی، ۱۳۸۹: ۵۱). این روش نیز در خط فارسی نوعی خلاف‌آمد است و حداقل نوعی توافق عمومی بر آن نیست (البته همان‌طور که در مثال صفحه ۲۰۰ نشان داده شد، در پاره‌ای مواضع ترتیب قرارگرفتن دو عدد به شیوه صحیح و خلاف توصیه مؤلف صورت گرفته است).

- نویسنده در مبحث عددنویسی (همان: ۵۶) آورده است: نوشتن اعداد تابع منطق خط

ریاضی (از چپ به راست) است. این پیشنهاد ایشان در کتاب‌های ریاضی و کتاب‌های لاتین که از سمت چپ به راست نوشته می‌شوند، صدق می‌کند نه در کتاب‌های فارسی و متون غیر ریاضی.

- همچنین آورده است: شماره صفحات و سال‌های متوالی از چپ به راست نوشته می‌شود (همان: ۵۷)، که این مطلب نیز خلاف معمول و مرسوم غالب ویراستاران است و گویا بیش‌تر مقتبس از منبعی لاتین باشد.

نیز آورده است: اعداد یک یا دو کلمه‌ای در نوشته‌های غیرعلمی با حروف نوشته می‌شوند (همان).

بر این جمله دو ایراد عمده وارد است: اولاً، مفهوم نوشته علمی و غیرعلمی مشخص نشده است (احتمالاً مقصود مؤلف متون ریاضی و غیر ریاضی است)؛ و از طرف دیگر، اعداد یک یا دو کلمه‌ای تا حدی بی‌مفهوم است (احتمالاً مراد مؤلف باید اعداد معطوف و غیرمعطوف باشد). این در حالی است که در متون غیر ریاضی توصیه می‌شود اعداد معطوف، مانند ۲۵، ۶۲، و ۱۰۹ با عدد و اعداد غیر معطوف، مانند دوازده، نوزده، بیست، صد، و هزار با حروف نوشته شوند. از طرف دیگر، چهل و شش (همان) دو کلمه‌ای نیست، بلکه سه کلمه‌ای یا همان عدد معطوف است که باید با عدد نوشته شود.

- توصیه شده است: نام‌های بیگانه در داخل متن به زبان فارسی بیاید و صورت خارجی آن‌ها بعد از صورت فارسی داخل (دو هلال) بیاید (همان: ۷۰)؛ در حالی که، معمولاً صورت خارجی اسامی بیگانه داخل گیومه می‌آید نه دو هلال.

- حروف خاص زبان عربی را منحصر در چهار حرف دانسته است (همان)؛ در حالی که، (ع، ض) برای نوشتن اسامی غیرعربی از قلم افتاده است.

- در کوتاه‌نوشت‌های لاتین معمولاً نقطه قبل و بعد از حرف اول، بدون فاصله می‌آید (متین و نصرتی، ۱۳۸۴: ذیل «نقطه») و این نکته در کل اثر (به‌ویژه جدول صفحه ۳) و کوتاه‌نوشت‌های نگارش و چاپ صفحه ۶۲ تا ۶۷ محل اشکال است؛ یعنی حرف دوم و سوم با فاصله آمده است.

البته به این کاربرد نقطه در مبحث کاربرد نقطه نیز اشاره نشده است.

- در تعریف دندان‌ها یا تورفتگی بندنوشت آورده است: مفهوم بندنوشت این است که خواننده می‌فهمد نویسنده وارد یک مطلب جدید یا جنبه دیگری از موضوع پیشین شده است (همان: ۷۹). بر اساس اظهار نظر نویسنده، بندنوشت آغازین یا بندنوشت‌های زیر

عناوین و تیترها نباید تورفتگی داشته باشند و در اصل نیز چنین است، ولی نویسنده بدان اشاره‌ای نکرده و در کتاب خلاف این توصیه رفتار شده است؛ یعنی در کل اثر، بندنوشت‌های آغازین و بندنوشت‌های ذیل عناوین نیز تورفتگی دارند.

۶. نتیجه‌گیری

تنظیم و تدوین کتاب‌هایی به منظور آموزش اصول علمی مقاله‌نویسی دانشگاهی بر اساس معیارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و این در حالی است که در زبان فارسی تاکنون آثار مفید و جامعی که در این زمینه تحقیق و تدوین شده باشد، به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. کتاب مذکور نیز اگرچه اولین قدم محسوب نمی‌شود، شاید جامع‌ترین و در عین حال علمی‌ترین کتابی باشد که در دسترس مخاطبان قرار گرفته است. از آن‌جا که انتظار مخاطبان چنین آثاری در اختیار داشتن متنی با کم‌ترین خطاهای نگارشی است، به نظر می‌رسد این اثر از برآورده کردن این انتظار تا حدی فاصله گرفته است. بررسی و نقد ارباب نظر و تذکار ایرادات چنین آثاری، به همت گروه بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در پی اجرای چنین رسالتی است تا به مدد مؤلفان و ناشران کتاب‌های علوم انسانی در چاپ‌های آتی کم‌ترین سهوهای ممکن را داشته باشند.

منابع

- ادیب سلطانی، میر شمس‌الدین (۱۳۶۵). *راهنمای آماده‌سازی کتاب*، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۹). *آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی*، تهران: سخن.
- متین، رامین و نازنین نصرتی (۱۳۸۴). *راهنمای استفاده از نشانه‌های نقطه‌گذاری*، تهران: امیرکبیر.
- معین، محمد (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۱). *غلط‌نویسیم: فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نیما یوشیج (۱۳۷۳). *مجموعه کامل اشعار، گردآوری و تدوین سیروس طاهباز*، تهران: نگاه.